

## نگاهی روان‌شناختی-اجتماعی به باورهای تمدن‌ساز امام خمینی حَفَظَ اللَّهُ عَنْهُ

\* محمد بهشتی

### چکیده

هدف این پژوهش پاسخ دادن به این سؤال است که: «عوامل و مؤلفه‌های تمدن اسلامی (در بعد مادی و معنوی) چیست و چه تلازمی بین این دو بعد وجود دارد؟». روش پژوهش عبارت از تحلیل نظری در محتوای آثار مکتوب باقی‌مانده از امام خمینی حَفَظَ اللَّهُ عَنْهُ است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که: ۱. «تمدن اسلامی» حقیقتی است که در آن، عوامل مادی و معنوی تلازم دارند؛ ۲. بعضی از مؤلفه‌های تمدن اسلامی عبارتند از: دانش، پیشرفت و رفاه، معنویت، امنیت، سیاست، امت اسلامی و وحدت اسلامی و...؛ ۳. تمدن اسلامی مبتنی بر منظومه فکری امام خمینی حَفَظَ اللَّهُ عَنْهُ توحیدمحور است و تمام مؤلفه‌های بالا، بر محور توحید جریان می‌یابند؛ ۴. اگر علم و فناوری و پیشرفت مادی با مدیریت عقل و وحی باشد، جامعه رو به تکامل و تعالی خواهد رفت و چنانچه با مدیریت عقل و وحی نباشد، جامعه رو به انحطاط می‌رود.

**واژگان کلیدی:** تمدن اسلامی، تمدن مادی، توحیدمداری، دنیامداری، روان‌شناسی اجتماعی،  
امام خمینی حَفَظَ اللَّهُ عَنْهُ

## مقدمه

باورهای تمدن‌ساز افراد، بهویژه رهبران، از این جهت که یکی از عوامل تعیین‌کننده رفتارها، عواطف، شناخت‌ها و نگرش‌های افراد، گروه‌ها و جوامع کوچک‌تر داخلی است، بهویژه آنگاه که آن رهبر، جایگاهی معنوی و کاریزماتیک داشته باشد، می‌تواند مورد توجه روان‌شناسان، بهویژه روان‌شناسان اجتماعی قرار گیرد. باورهای این رهبران می‌توانند زیربنایی تمدنی یک ملت را مورد تأثیر قرار دهد و از عوامل بنیان‌ساز و بنیان‌گذار یک تمدن جدید به شمار آید.

تعاریف گوناگونی برای واژه تمدن بیان شده است، ولی بیشتر این تعاریف با نگاه دنیوی و غیر اسلامی بوده‌اند. هنری لوکاس (به نقل از هانتینگتون)، تمدن را پدیده‌ای در همتیله می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و هنر و ادبیات را در بر می‌گیرد و نشان آن، پیشرفت در علم، هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است (ولایتی، ۱۳۹۲، ص ۷)؛ این خلدون جامعه‌شناس شرقی می‌گوید: جامعه‌ای حائز مدنیت است که با ایجاد حاکمیت، نظم‌پذیر شده و مناسب و پایگاه‌های حکومتی تشکیل داده تا بر حفظ نظم نظارت کنند و از حالت زندگی فردی به زندگی شهری و شهرنشینی روی آورده، موجب تعالی فضایل و ملکات انسانی چون علم و هنر شده است (همان).

براساس این دو تعریف، تمدن حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی و گام نهادن در نهادینه‌سازی امور اجتماعی و سیاسی است؛ عوامل شکل‌گیری تمدن و مدنیت عبارت است از: وجود امنیت، آرامش و ثبات در جامعه، کاهش اضطراب و دل‌مشغولی، وجود روحیه همبستگی و وحدت و اخوت وجود روحیه تعاون و همکاری، گسترش اخلاقیات، رفاه نسبی و... .

نگاه راهبردی امام خمینی ح درباره تمدن اسلامی، سه امر مهم است: ۱. تمدن اسلامی بر سایر تمدن‌ها مقدم است و مسلمانان در زمینه علم و تمدن پیش قدم بوده‌اند. وی تصریح می‌کند: «دانشمندان اروپا هم قائل به این مطلب‌اند که تمدن اسلام مقدم بر سایر تمدن‌هاست و تمدن و علم از اسلام به اروپا رفته است» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸، ص ۹۰ و ۲۱۶)؛ ۲. امت اسلامی توانایی رسیدن به قله‌های پیشرفت علمی و توسعه صنعتی را دارد؛ «استعمارگران با سیاست‌های شیطانی، برنامه‌ریزی‌ها و تبلیغات گسترده مسلمانان را به حال رکود و عقب‌افتدگی نگاه داشتند و این‌گونه وانمود کردند که غربی‌ها نژاد برترند و دیگران پست و ناقص‌اند و نتیجه این شد که ما از خود هیچ نداریم و امروزه باید علم، تمدن و پیشرفت را از آنان بگیریم» (همان، ج ۲۱، ص ۴۱۷)؛ ۳. دغدغه مهم امام خمینی ح رسیدن به تمدن جامع و همه‌جانبه است، ایشان می‌گوید: «همه با هم به سوی یک تمدن صحیح جلو برویم، تمدن الهی، تمدن رسول الله‌ی، تمدنی که همه عرصه‌ها و زمینه‌های اجتماع نمود پیدا کند و از همه جهت، جامعه اسلامی متمدن باشد نه فقط در

علم، فن و مسائل دنیوی، بلکه از لحاظ معنوی نیز رشد کند و روح توحید در همه عرصه‌های جامعه حکم فرما باشد» (همان، ج، ۶، ص ۲۱۶ و ج، ۹، ص ۸۲)؛ «نهضت مانهضتی متمدن و پیشرفتی است و مادر پی فرهنگ مستقل، اقتصاد صحیح و سالم، سیاست و حکومت صحیح و سالم و مستقل و آزادی صحیح و سالم هستیم» (همان، ج، ۴، ص ۱۷۳).

نگاه مقام معظم رهبری نیز درباره «تمدن» نگاهی دقیق، عمیق و کارساز است؛ در این‌باره به دو نکته از متن سخنان اشاره می‌شود: نخست اینکه، تمدن غربی بر پایه ستیز با معنویت و طرد معنویت بناشدو با معنویت به جنگ برخاست، پس این تمدن مادی و دور از معنویت هرچه پیشرفت کند، انحرافش بیشتر می‌شود و همه بشریت را با میوه‌های زهرآگین خود تلخ کام می‌کند، مثل ویران شدن کانون خانواده، سیلاپ فساد جنسی، طغیان سرمایه‌داری افراطی، ...» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۷، ج، ۹، ص ۷۴ و ۷۵)؛ دوم اینکه برای ایجاد تمدن اسلامی، مانند هر تمدن دیگر دو عنصر اساسی لازم است، یکی تولید فکر و دیگری پرورش انسان؛ فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است، یک اقیانوس است، سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن، کاری است که از معارف اسلامی ممکن است» (سخنان رهبر معظم انقلاب در اجتماع طلب مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

### پیشینه پژوهش

در مورد عنوان عام تمدن و تمدن اسلامی آثار فراوانی وجود دارد؛ از جمله: تاریخ تمدن ویل دورانت ترجمه احمد آرام، تاریخ تمدن اسلام و عرب نوشته هادی خاتمی بروجردی، تاریخ تمدن، هنری لوکاس ترجمه عبدالحسین آذرنگ، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، بویلی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران نوشته دکتر علی اکبر ولایتی، اما درباره موضوع این مقاله که بحث از مؤلفه‌ها و عوامل تمدن از نگاه امام خمینی ره است، اثری دیده نشد، به جز اثری، که هرچند با عنوان «تمدن اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی ره» است، اما مجموعه چهارده سخنرانی عمومی درباره پاسداشت میلاد صدمین سال ولادت حضرت امام خمینی ره است و در آن بحثی درباره مؤلفه‌ها و عناصر تمدن اسلامی در نگاه امام خمینی ره نشده است. این در حالی است که اکنون پس از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب و توجه بسیاری از مستضعفان جهان، به مؤیذه مسلمانان در کشورهای مختلف، از یکسو و فعالیت تمام قد فرهنگی و اجتماعی دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی در جهت شکست دادن آن، از سوی دیگر، ضرورت مطالعات عمیق و تحلیل بنیان‌های فکری امام راحل ره و بیان آن در قالب رشته‌های مختلف علوم انسانی را پیش نشان می‌دهد؛ متأسفانه، رویکردهای امام راحل که منطبق با آموزه‌های اصیل اسلام ناب محمدی است، در جامعه مابه انداره

کافی توریزه نشده است؛ بنابراین، مقاله حاضر بر آن است تا اندکی از آن وظیفه بسیار را انجام دهد و از اصولی‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه‌ها و عناصر تمدن اسلامی از نگاه امام خمینی حیله را بررسی کند.

## ۱. علم و دانش

از نگاه امام خمینی حیله علم نور است و سرمایه، در دنیا مایه عزت، اعتبار، لذت و سرور و پیشرفت است و در آخرت دست‌مایه سعادت ابدی است (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۴۸۵). ایشان در این‌باره به چهار نکته کلیدی اشاره کرده است.

**نخست:** دانش دو قسم است، دانش دنیایی که برای سامان یافتن زندگی دنیوی است و دانش آخرتی که به منظور رسیدن به مقامات و مدارج اخروی است. امتیاز این دو دانش به امتیاز نیت‌ها و انگیزه‌هاست (همان، ص ۳۹۶)؛

**دوم:** دانش افزایی تا بدان پایه ارزشمند است که رسول خدا علیه السلام می‌فرماید: خداوند جوینده دانش را به راه بهشت می‌برد و فرشتگان بال‌های خود را از سر رضایت و خشنودی برای جوینده دانش می‌گستراند و همه موجوداتی که در آسمان و زمین اند حتی ماهیان دریا برای جوینده دانش طلب مغفرت می‌کنند، همانا برتری عالم بر عابد، همچون برتری ماه بر ستارگان در شب بدر است (همان، ص ۴۱۱-۴۲۱)؛

**سوم:** امام خمینی می‌فرماید: «باید دانشگاه و حوزه مهذب بشود. این دو مرکز که مرکز علم است هم می‌توانند مرکز تمام گرفتاری‌های بشر باشد و هم می‌توانند مرکز ترقیات معنوی و مادی بشر باشد، علم و عمل، علم و تعهد به منزله دو بال هستند که با هم می‌توانند به مراتب ترقی و تعالی برستند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۴۱۷ و ۴۱۳)؛

**چهارم:** همچنین ایشان می‌فرماید: «ما باید در برنامه صنعتی کردن مملکت سراغ مونتاژ برویم بلکه باید به سراغ صنایع مادر برویم و نوسازی را به بهترین وجه انجام دهیم» (همان، ج ۲۱، ص ۲۹۴ و ج ۵، ص ۴۳۴).

## ۲. دین و معنویت

اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین عامل تمدن اسلامی و راه حل برای بحران جامعه بشری معنویت است. مقصود از معنویت، اعتقاد به خدا و معاد و ارتباط روحی با معبود از طریق عبادت، دعا، نیایش، تضرع و ابتهال و سرسپردن به دین است؛ بدیهی است که این امور در نگاه امام خمینی حیله منحصر به زندگی فردی نیست، بلکه باید در اعماق و در تمام تار و پود جامعه و نهادهای اجتماعی حضور پیدا کند؛ امام نقش معنویت را در سه امر خلاصه می‌کند:

۱. کلید دردها؛ «این مسلم است که از نظر اسلامی حل تمامی مشکلات و پیچیدگی‌ها در زندگی انسان‌ها تنها با تطییم روابط اقتصادی به شکل خاص حل نمی‌شود و نخواهد شد، بلکه مشکلات را در کل در یک نظام اسلامی باید حل کرد و از معنویت نباید غافل بود که کلید دردهاست» (همان، ج ۵، ص ۴۳۷). وی در نامه تاریخی خود به گورباچف این‌چنین یادآور شده است: «مشکل اصلی کشور شما مسئله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست؛ مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بنست کشیده و خواهد کشید» (همان، ج ۲۱، ص ۲۲۱). اساسی‌ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق عدم اعتقاد به معنویت است (همان، ص ۲۲۲). معنویت منشأ همه فضایل اخلاقی است و هیچ عاملی به اندازه اعتقاد و ایمان به خدا در تربیت اخلاقی انسان مؤثر نیست.

۲. عامل قدرت؛ معنویت عامل قدرت است؛ «انسانی که غیر خدا را از دل خود بیرون رانده و تنها به ریسمان الهی چنگ زده و توجه دارد که او مبدأ همه قدرت‌های است، دیگر از هیچ طاغوتی نمی‌ترسد و اتکای او به قدرت لایزال الهی موجب پیروزی بر دشمنان خواهد شد و یاری خداوند متعال را به دنبال خواهد داشت» (امام خمینی، ج ۱۳۸۵، ص ۴۷۱). معنا و مفهوم معنویت از نگاه امام خمینی رهبر انقلاب، رو به عالم غیب داشتن و وارستگی پیشه کردن و از انانیت و دنیازدگی روی بر تاقتن است، ایشان می‌فرماید: «آن عاملی که از اول اسلام را تقویت کرد و موجب پیشرفت اسلام شد، همین امر معنویت بود و آن عبارت از پُشت به دنیا کردن و رو به عالم غیب داشتن، پُشت به انانیت خود کردن و رو به رحمت الهی و قدرت الهی داشتن است» (همان، ج ۱۱، ص ۳۶۹).

۳. عامل پیشرفت و توسعه؛ از نگاه امام خمینی رهبر انقلاب پیشرفت و توسعه فراتر از آن چیزی است که امروزه در مورد پیشرفت و توسعه گفته می‌شود بلکه ایشان به همه‌جانبه‌نگری، جامعیت مفهوم پیشرفت و توسعه نظر داشته است. پیشرفت و توسعه هم ناظر به بعد مادی انسان است و هم ناظر به بعد معنوی. تأمین نیازهای دنیایی و مادی انسان و برآورده شدن نیازهای معنوی و حیات اخروی او حقیقتی است که آن را پیشرفت و توسعه می‌نامیم. آنچه پیشرفت و توسعه جامع رارقیم می‌زنند، معنویت است. «اگر ایمان به خدا و عمل برای خدا در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، اعتقادی و سایر شئون زندگی بشر وارد شود، پیچیده‌ترین مشکلات امروزی جهان به آسانی حل می‌شود» (همان، ج ۵، ص ۴۱۰). افرون بر اینکه معنویت مطالبه فطرت انسان است.

با توجه به اهمیت و جایگاه معنویت، شایسته است نگاهی دیگر بر معنا و مفهوم معنویت، اقسام معنویت و دستورالعمل‌های تقویت معنویت داشته باشیم.

### مفهوم‌شناسی معنویت

معنویت به معنای معنوی بودن در برابر مادی، ظاهری و صوری بودن است و به وسیله قلب شناخته می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۳ و معین، ۱۳۷۱) و بر مجموعه جنبه‌های فکری، اخلاقی، فرهنگی و عاطفی انسان اطلاق می‌شود (انوری، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۷۱۸۲). اما در اصطلاح، معنویت حقیقتی است که براساس اعتقاد به عالم غیب و باورهای باطنی چون اعتقاد به خدا، باور به معاد و حیات اخروی و ارتباط روحی با معبود از راه عبادت، نیایش، تضیع و ابتهال شکل می‌گیرد. امام خمینی<sup>ح</sup> انسان را دارای سه نشه مادیت، برزخیت و آخرت می‌داند و در این‌باره می‌گوید: «عالیم وجود دارای سه نشه است؛ مُلک، ملکوت و عالم عقل (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۵)، انسان نیز دارای ظاهر و باطن مثالی و باطن عقلی است و معنویت در باطن انسان تعییه شده و از نیازهای ذاتی، فطری و درونی آدمی است و باید آن را شکوفا ساخت» (همان، ص ۵، ۳۷۸ و ۳۹۱). (۴۱۷).

### گونه‌شناسی معنویت

معنویت در یک طبقه‌بندی کلی سه گونه است: الف) معنویت دروغین؛ هرگونه معنویتی همچون معنویت اومانیستی، معنویت تخدیری، معنویت لیبرالیستی، معنویت سکولاریستی و خرافه‌ای و... که مارا از خداوند غافل و دور کند و بحران هویت به وجود آورد. معنویت نیست؛ ب) معنویت تک‌بعدی؛ برخی پنداشته‌اند معنویت تنها در بستر خلوت و عزلت و انزواگزینی و به دور از جامعه و بی‌تقالوی نسبت به آن شکل می‌گیرد: «خیال می‌کردند کسی که عارف است باید دیگر به کلی کناره گیرد از همه چیز و بروز کنار بنشیند و یک قدری ذکر بگوید و یک قدری چه بکند ... در شهر هرچه می‌خواهد بگذرد، من اهل سلوکم، بروم یک گوشاهی بنشینم و ورد بگویم» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۱۱۶)؛ ج) معنویت رهایی‌بخش؛ معنویت اصیل و راستین معنویتی است که دارای سه بعد است؛ یکی، بعد شخصی و فردی است که در سیر و سلوک انجام می‌پذیرد. بُعد دوم؛ یافته‌ها و دستاوردها است که شاید بتوانیم نام آن را تجربه دینی بنامیم. بُعد سوم؛ آثار و نتایجی است که در زمینه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی ظاهر می‌شود و رابطه وثیق و عمیق با کرامت، حریت و عدالت دارد.

«تحول معنوی و تحول عرفانی که به واسطه قرآن پیدا شده است، فوق همه مسائل است» (همان، ج ۱۸، ص ۲۶۱)؛ «اسلام جامع تمام جهات مادی و معنوی و غیبی و ظاهری است، زیرا انسان دارای همه مراتب است و قرآن کتاب انسان‌سازی است» (همان، ج ۲۰، ص ۱۱۳-۱۱۵)؛ اسلام مادیات را جوری تعدل می‌کند که به الهیات منجر شده است، یعنی در مادیات نیز به «نظرِ الهیاتی» نظر می‌کند (همان، ج ۶، ص ۴۶۷).

### دستورالعمل‌های تقویت معنویت

امام خمینی حیله به صورت پراکنده در آثار خویش از تقویت معنویت سخن گفته و به دستورالعمل‌ها و راهکارهایی برای تقویت معنویت اشاره کرده است؛ از جمله:

۱. تفکر؛ «تفکر مقدمه لازمه حتمیه سلوك انسانیت است» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۵) و افضل از جمیع عبادات (همان، ص ۱۹۶) و عامل رشد عقل و معنویت است (همان، ص ۲۲). پیداست اگر انسان در لطائف آفرینش و خلقت الهی و انتقام صُنع و در خود و اسرار وجودی خود و فلسفه خلقت تفکر کند، سبک زندگی او الهی و آسمانی و معنوی می‌شود.

۲. عبادت؛ امام خمینی حیله اثر عبادت را در سه امر مهم خلاصه کرده است: «الف) عبادت روح را بر قوای بدن چیره می‌کند بدانسان که روح دارای سلطنت و قدرت و نفوذ می‌شود که به مجرد اراده، بدن را به هر کاری بخواهد وادر می‌کند؛ ب) عبادت انسان را صاحب اقتدار می‌سازد و او را از معاصی بازمی‌دارد؛ ج) عبادت انسان را به تدریج با ذکر و فکر مأнос می‌سازد و تعلق قلب او را نسبت به دنیا می‌کارد» (همان، ص ۱۲۵-۱۲۶).

۳. مراقبه و محاسبه؛ «اگر انسان بخواهد معنویت خود را تقویت کند باید گناه نکند و عهد و میثاق الهی را نشکند و برای این مهم از خود مراقبت کند و کسانی را وادر کند که از او مراقبت نمایند و نیز از خود حساب بکشدو محاسبه نفس داشته باشد» (همان، ص ۹ و ۱۰).

۴. موازنۀ مقایسه و سنجش لذت‌ها و آلام و منافع و ضررها ای اعمال نیک و اعمال بد را موازنۀ می‌نامیم. اگر آدم عاقل لذت‌های دنیاگی و اخروی را با هم مقایسه کند، رنج‌ها و عذاب‌های دنیوی و اخروی را نیز در ترازوی ارزیابی قرار دهد؛ بی‌شک از گناه و شرّ و فساد دست می‌کشد و به سوی معنویت شتابان می‌رود. کافی است عذاب قبر و قیامت را با سختی‌های دنیاگی مقایسه کنیم» (همان، ص ۱۸-۲۴).

۵. ولایتمداری؛ تسلیم بودن در برابر معصومان علیهم السلام، دستورالعملی بسیار مؤثر در رشد معنویت است (همان، ص ۴۳۹). «ائمه معصومین علیهم السلام مظہر جمیع صفات و اسمای خداوند هستند و واسطه فیض و جلوه او می‌باشند و در نظام آفرینش قدرت تصرف ویژه دارند و ارتباط با آنها و تسلیم در برابر آنها بهترین راه برای تقویت معنویت است» (همان، ص ۴۸۵ و ۵۳۱).

۶. مراقبت تام از حقوق دیگران؛ «اگر ما از پیامبر ختمی مرتبت الگو بگیریم و بارقه‌ای از عشق او به مردم در ما ایجاد شود و خیر همه را بخواهیم معنویت در ما رشد خواهد کرد» (همان، ص ۳۶).

### ۳. امنیت

یکی از عوامل مهم در زایش و اعتلای تمدن، امنیت است. پیامبر اعظم ﷺ در سال سیزدهم بعثت به مدینه هجرت کرد، زیرا فضای مدینه و امنیت حاکم بر آن می‌توانست برای پیشبرد اسلام و تحکیم و تثیت ارکان حاکمیت اسلامی و زمینه‌سازی برای تمدن اسلامی بسیار نافع باشد. امام صادق علیه السلام فرماید: همه مردم در هر جامعه‌ای به سه چیز سخت نیاز دارند؛ امنیت، عدالت و رفاه.<sup>۱</sup> در این روایت عدالت و رفاه در کنار امنیت ذکر شده‌اند، اما تأمین رفاه و عدالت اجتماعی نیز وامدار وجود امنیت است؛ امام خمینی علیه السلام در مورد زوایا و ابعاد گوناگون امنیت، به صورت نظاممند سخن گفته است که به اختصار اشاره می‌کنیم.

### مفهوم‌شناسی

امنیت به معنای در امان بودن از خطر و نداشتن ترس و برخورداری از آرامش و آسایش مادی و معنوی است و در اصطلاح کاهش اضطراب و دل‌مشغولی و ایجاد فضای مناسب برای به دست آوردن رفاه نسبی و آسایش مادی و معنوی است؛ بدانسان که افراد جامعه نسبت به آنچه به طور طبیعی دارند و یا به دست آورده‌اند، هراسی نداشته باشند که آن را از دست بدند و نیز بتوانند آنچه را ندارند به طریق عادلانه و بدون خوف به دست آورند (دهخدا، ۱۳۷۳؛ انوری، ۱۳۸۲ و معین، ۱۳۷۱).

### گونه‌شناسی

امنیت دارای گونه‌ها، مصادیق و اقسام گوناگون است:

۱. امنیت روانی: معنا و مفهوم امنیت روانی کاهش و زوال اضطراب، نگرانی، ترس، وحشت، بی‌ثباتی و تزلزل خاطر و برخورداری از مقام اطمینان است؛ «اگر انسان قیام به وظیفه کند و موفق به خدمت شود نگرانی ندارد، نگرانی آتجاست که به خدمت قیام نکند و از وظیفه، خدا نخواسته شانه خالی کند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۰۸). امنیت روانی مسلمان، تابعی از انجام وظیفه الهی است؛ «اگر ما برای مقاصد اسلامی، برای مقاصدی که انبیای خودشان را به آب و آتش زندن، اولیای عظام خودشان را به کشتن دادند، بترسمیم و اقدام نکنیم، دین نداریم...، ما از چه بترسمیم؟! آن باید بترسد که غیر از این عالم جایی ندارد» (همان، ج ۱، ص ۷۲).

۲. امنیت اجتماعی: حکومت و سیله‌ای برای تحقق اهداف عالی انسانی و الهی است که مهم‌ترین آن اهداف عبارت است از: تحقق دیانت، امنیت، عدالت، رفاه و تربیت؛ در پرتو حکومت

۱. ثلاثة اشياء يحتاج الناس طرآ إليها: الأمن والعدل والخصب (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۸، ص ۲۳۴).

عدل و برافراشته شدن پرچم اسلام، امنیت و رفاه و آسایش حاصل می‌آید (همان، ج، ۵، ص ۵۱۸). «همه نهادهای اجتماعی اعم از قوه مجریه، قضائیه، مقننه و مجلس خبرگان و نیروهای نظامی و انتظامی برای ایجاد امنیت و حفظ آن می‌باشد» (همان، ج، ۱۷، ص ۱۱۳). امام خمینی<sup>ره</sup> سخن خود را به فرمایش بلند امیر مؤمنان مستند می‌کند که خدایا تو می‌دانی ما برای به دست گرفتن قدرت سیاسی یا به چنگ آوردن ثروت قیام نکرده‌ایم، بلکه برای این بوده که بندگان ستمدیده‌ات امنیت پیدا کنند و قوانین تعطیل شده به اجرا درآید.<sup>۱</sup> امنیت اجتماعی شامل حیطه‌های قضائی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، تولید، شغلی و... می‌شود.

**۳. امنیت مسلمانان:** حوزه امنیت گسترده‌تر از امنیت داخلی است، بلکه افزون بر امنیت کشور اسلامی، جان و مال و ناموس مسلمانان نیز باید امنیت داشته باشد: «دفاع از ناموس مسلمین و جان مسلمین و مال مسلمین و کشور مسلمین یکی از واجبات است» (همان، ج، ۱۵، ص ۱۱۷ و ج ۱۱، ص ۱۵۹).

### راهبردهای ایجاد و تقویت امنیت

امام خمینی<sup>ره</sup> برای ایجاد و تقویت امنیت راهبردهایی را ارائه داده است. این راهبردها به دو گروه راهبردی و عملیاتی تقسیم می‌شود؛ البته تمامی این راهبردها با هم، یک منظمه مشخص را برای ایجاد و تقویت امنیت به وجود می‌آورند و هر یک به تهابی نمی‌توانند ایجاد امنیت کنند. در اینجا با استناد به متن سخنان امام خمینی<sup>ره</sup> به ده مورد از این راهبردها اشاره می‌کیم:

۱. انگیزه اصلی و موثر محرك ایجاد امنیت، امر الهی و امر قدسی است و مسئولین ایجاد و حفظ امنیت، لازم است براساس عقیده و دینداری و دین‌داری در این راه گام نهند (همان، ج ۱۳، ص ۲۷-۱۸۲ و ج ۲۰، ص ۲۷۵، ۴۸۶ و ج ۱۸، ص ۲۳۱). دفاع ما از اسلام و خودمان براساس دستور الهی است و این دفاع صرف دفاع از کشور نیست (همان، ج ۱۳، ص ۳۴۱). «مسئله، مسئله عقیده است نه مسئله مادیت و به دست آوردن چیزی...» (همان، ج ۱۳، ص ۲۷)؛

۲. ایجاد و حفظ امنیت، تنها وظیفه مسئولان مربوطه نیست؛ بلکه بر هر یک از افراد فرض و واجب است که وظیفه الهی و دینی خود را در این راستا ایفا کنند. همین امر موجب شد که امام

خمینی<sup>ره</sup> نهاد بسیج مردمی را به وجود آورد (همان، ج ۱۷، ص ۴۲۴)؛

۳. ضرورت هماهنگی میان نهادهای دفاعی امنیتی؛ امام خمینی<sup>ره</sup> معتقد است از مسائل بسیار مهم کشور هماهنگی بین نیروهای مسلح است؛ آنها باید با هماهنگی عمل کنند و مراقب باشند

۱. (فيأمن المظلومون من عبادك و ثئام المعطلة من حدودك) (نهج البلاغه، قصار ۱۳۱).

هر کدام راه جدگانه‌ای را طی نکنند (همان، ج ۱۳، ص ۴۰، ۴۳)، زیرا ارتباط گرم نیروهای نظامی و انتظامی با همدیگر و ارتباط آنها با مردم موجب قوت و طمأنی‌هه و در برابر جدایی آنها، سبب تزلزل می‌شود (همان، ج ۱۱، ص ۴۴)؛

۴. لزوم ارتباط وثيق و عميق با مردم؛ نیروهای دفاعي امنيتی باید هميشه با اتحاد و همدلی همراه ملت باشند (همان، ج ۷، ص ۸۷) و خود را از مردم جدا ندانند و مردم نیز این نیروها را از خودشان بدانند (همان، ج ۹، ص ۲۱۷)؛

۵. لزوم رعایت نظم؛ نیروها باید نظم و سلسله مراتب را رعایت کنند و رعایت نظم را جزئی از اسلام بدانند و مراقب باشند که رعایت نکردن نظم باعث تزلزل می‌شود (همان، ج ۱۹، ص ۴۲ و ج ۷، ص ۸۷)؛

۶. آمادگی كامل دفاعي و امنيتی: کشور اسلامي ايران باید در همه حال برای دفاع از ارزش‌های اسلامي در آمادگی كامل باشد و مسئولين باید نسبت به تقویت نیروهای مسلح در همه شرایط توجه داشته باشند و غفلت از آن، مشکلات فراوانی به وجود می‌آورد، غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، باعث طمع دشمنان به تهاجم به کشور اسلامي می‌شود (همان، ج ۲۱، ص ۳۵۸)؛

۷. لزوم بهره‌مندی از تمام امکانات مادي و معنوی برای ایجاد، گسترش و حفظ امنیت و برای مقابله با دشمن و حفاظت از انقلاب اسلامی و صیانت از مکتب اسلام (همان، ج ۸، ص ۳۸۰)؛

۸. لزوم پرهیز از غرور، انانثیت و منیت؛ امام خمینی ح پیوسته این اصل راهبردی را تکراری کردند که: سپاه، ارتش و بسیج باید از منیت به شدت پرهیز کنند و برای خدا تلاش کنند و سعی کنند ید واحده باشند که اگر ید واحدی باشند، کسی نمی‌تواند آنها را بشکند (همان، ج ۱۹، ص ۲۳۸)؛

۹. بازسازی معنوی و اعتقادی؛ امام خمینی ح اعتقاد دارد که از اصول مهم راهبردی دفاعی و امنیتی توجه نیروها به اصل بازسازی معنوی و اعتقادی است، زیرا همه در میدان نبرد و کارزار آموخته‌اند و تجربه کرده‌اند که معنویت و ایمان چقدر در پیروزی‌ها و موفقیت‌ها و بالا بردن توان و استقامت نیروها مؤثر است (همان، ج ۲۱، ص ۳۵۸)؛

۱۰. حفظ و تقویت سه اصل راهبردی در کنار هم (ایمان، وحدت و نظم)؛ امام خمینی ح می‌فرماید: باید تا آخر همین رویه و سیاست، یعنی ایمان، وحدت و نظم حفظ و تقویت گردد و نیروهای مسلح کشور اعم از سپاه و ارتش در کنار یکدیگر به سازندگی و رشد و تقویت بنیه‌های دفاعی اسلام و کشور همت گمارند (همان، ص ۳۵۷).

#### ۴. سیاست

واژه سیاست عربی است و ریشه آن ساس و به معنای تدبیر کردن، اداره کردن، حکم راندن، ریاست کردن، حراست کردن و سرپرستی امور جامعه است (ابن‌فارس، ۱۴۱۰ق و ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق)؛ سیاست دارای سه رکن است: ۱. تدبیر، مدیریت و سامان دادن؛ ۲. وجود نهادهای سیاسی اجتماعی؛ ۳. تعیین و تنظیم روابط و مناسبات اجتماعی؛ مباحث مربوط به سیاست را با استفاده به متن سخنان امام خمینی ره پی می‌گیریم:

از نگاه امام خمینی ره سیاست به معنای تدبیر امور جامعه و اداره کردن مسائل اجرایی کشور از بنیان‌های وثیق تمدن است، البته سیاست سه قسم است: اول، سیاست شیطانی که مبتنی است بر قدرت طلبی، زورگویی، دروغ و خدعاً و فریب و ستمکاری؛ و به جای حفظ مصالح کشور به دنبال سلطه‌جویی و توسعه قدرت و ثروت است. این سیاست از نگاه عقل و دین و فطرت باطل است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۴۳۲)؛ دوم، سیاست حیوانی که اداره کشور را بر پایه ارضی خواهش‌های نفسانی و تمایلات حیوانی و تأمین رفاه و آسایش مادی قرار می‌دهد و ابعاد دیگر انسان مغفول می‌ماند (همان)؛ سوم، سیاست الهی که در این نوع سیاست تمام ابعاد وجود انسان و همه مصالح جامعه، مورد توجه قرار می‌گیرد و دولت و حکومت براساس همه ابعاد و زوایای وجودی انسان و تمامی مصالح جامعه، امور کشور را تدبیر می‌کند و در جهت تأمین نیازهای مادی و رفاهی تلاش جدی دارد، برای شکوفایی ارزش‌های الهی و کمالات معنوی و سعادت دنیا و آخرت مردم برنامه‌ریزی و ساماندهی می‌کند (همان).

چنین سیاستی از شئون پیامبر اعظم و ائمه هدی علیهم السلام است و از اهدافی است که پیامبر اعظم علیهم السلام برای آن مبعوث شد. البته پس از پیامبر اعظم علیهم السلام و ائمه هدی علیهم السلام به تبع آنها، این منصب از آن فقیهان بیدار، آگاه به مسائل جامعه و متعهد به آزادی و استقلال کشور است (همان، ص ۴۳۳).

وظایف سیاستمداران و کارگزاران نظام اسلامی، اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگری و حکومت جائزانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشاً و انواع کجروی‌ها و تأمین آزادی بر معیار عقل و عدل و نیز جلوگیری از استعمار و استثمار و استبعاد است و همچنین، اجرای حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباہی جامعه می‌باشد و راه بردن جامعه براساس موازین عقل، عدل و انصاف است (همان، ج ۲۱، ص ۴۰۵).

### ۵. توکل به خدا

امام خمینی<sup>ح</sup> هماره بر این نکته تأکید داشتند که به خداوند اتکال داشته باشید و اعتقاد داشت که پیروزی انقلاب اسلامی، سقوط حکومت شاهنشاهی، استقرار جمهوری اسلامی، پیروزی در دفاع هشت ساله و کشف توطئه‌ها و سرکوب شدن نقشه‌های خائن‌های همه به این علت بود که ملت ایران به خدا توکل کرد (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۴-۲۲۰)؛ امروزه نیز ایجاد و احیای تمدن اسلامی بی‌تردید به توکل بر خدا و ایستگی تام دارد.

### معنا و مفهوم توکل

توکل در لغت به معنای اعتماد کردن و واگذاری امر به شخص مورد اعتماد است؛ بدان سبب که خود را در سامان دادن به آن امر ناتوان می‌بیند. توکل آشکار ساختن ناتوانی خویش و تکیه کردن بر توانایی دیگری است.<sup>۱</sup>

توکل در اصطلاح عارفان نیز به معنای واگذاری تمامی امور به مالک آنهاست و اعتماد نمودن به وکالت اوست (کاشانی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۱) و برخی توکل را با دو بنیان وثيق توضیح داده‌اند؛ یکی، عبودیت و بندگی خدا و دوم، اعتقاد جازم به ربویت حق تعالی و در این‌باره گفته‌اند: یعنی توکل صرف کردن بدن در عبودیت خدا و پیوند قلب با ربویت اوست<sup>۲</sup> (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۴). براساس سخن اخیر که توکل با عبودیت و اعتقاد به ربویت ارتباط وثيق و عمیق دارد، توکل دارای مراتب و درجات خواهد بود، زیرا عبودیت و معرفت به ربویت دارای مراتب و درجات است.

### ارکان توکل

از نگاه امام خمینی<sup>ح</sup> قوام توکل بر چهار امر است و بدون آن امور توکل به خداوند معنا ندارد: «اول اینکه باور داشته باشیم که خداوند بدانچه ما بدان نیاز داریم، آگاه است؛ دوم، ایمان داشته باشیم که او قادر است و می‌تواند نیازهای ما را تأمین کند؛ سوم اینکه او بخیل نیست و چهارم اینکه محبت و رحمت بر بندگان دارد، پیداست اگر هر یک از این ارکان نباشد، اعتماد صورت نمی‌پذیرد. کسی که بخواهد به مقام توکل بار یابد، باید از مرتبه علم به مرتبه ایمان و اعتقاد رسیده باشد و ارکان توکل را با علم و معرفت و تلقین و تذکر و ریاضت و تمرین به قلب خود برساند و از درون به این حقایق باور داشته باشد» (امام خمینی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۰-۲۰۵).

۱. التوکل اظهار العجز والاعتماد على غيرك (جوهری، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۱۸۴۴-۱۸۴۵).

۲. التوکل طرح البدن في العبوديه و تعلق القلب بالربويه (قشیری، ۱۳۹۲، ص ۲۶۳).

### نگاه متفاوت افراد به توکل

امام خمینی ره در باب توکل، مردم را به سه گروه تقسیم می‌کند: «گروه نخست خدا را قبول دارند، اما ربوبیت و احاطه قیومیه او و اینکه همه چیز در تحت تصرف اوست را باور ندارند و چشم و دل آنان در گروه اسباب است، این گروه نسبت به امور دنیاوی چشمپسته با جان و دل به سراغ علل و عوامل و اسباب و مسیبات می‌روند و در امور اخروی این کلمه را ورد زبان خود قرار می‌دهند که خدا بزرگ است (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۵-۲۱۷)؛ گروه دوم با علم و معرفت تصدیق دارند که خداوند مقدّر امور است و مؤثر واقعی و مسبب اسباب، اوست و در دار وجود خالق، مدبر، مدیر خداوندی است که عالم و قادر است و رثوف و رحیم است و هیچ‌گونه بُخلی در او فرض ندارد، ولی این افراد این علم و معرفت را به قلب خویش نرسانده‌اند، از این‌رو در امور تزلزل دارند و عقل آنان با قلبشان در نزاع و درگیری است. توکل این گروه ناقص است و راه به جایی نمی‌برند» (همان)؛ گروه سوم، افزون بر عقل، قلب آنان نیز باور کرده و ایمان آورده که خداوند مؤثر حقیقی است و جز او مؤثری نیست و با قلم عقل در الواح قلوبشان ارکان توکل نقش بسته است. این گروه صاحب مقام توکل هستند. البته این گروه نیز در مراتب ایمان و درجات یقین متفاوتند (امام خمینی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۵-۲۱۷).

### خاستگاه توکل

امام خمینی ره مبدأ و ریشه توکل را امری فطری می‌داند، زیرا در ذات و سرشت انسان فطرت افتقار، نهادینه شده است و جمیع افراد بشر در ذات، صفت، کمال خود را به خداوند غنی مُغنى وابسته و نیازمند می‌باشند، بلکه هر یک از پدیده‌ها در تمام عوالم وجود، خود را وابسته ذات باری تعالی می‌یابد و هماره با زبان ذات می‌گویند: ما محتاجیم، فقیریم و وابسته اوثیم و چون تمامی سلسله‌های موجودات یکپارچه و یک زبان سخن از افتقار دارند، همین امر ریشه و مبدأ توکل به خدادست؛ بنابراین، یکی از لطایف و حقایقی که در فطرت تمام افراد بشر به قلم قدرت ازلی ثبت شده و از فطريات به شمار می‌آید، فطرت افتقار است که خاستگاه توکل است (همان).

### آسیب‌شناسی توکل

برخی پنداشته‌اند که توکل با تلاش و کوشش ناسازگار است؛ این سخن گراف را امام خمینی ره از برخی عارفان نقل می‌کند و در پاسخ می‌گوید: «ترک تلاش و کوشش و وانهادن کسب و کار به استناد توکل بر خداوند نااگاهی و بی‌معرفتی است (همان). سالک الى الله برای تصحیح مقام توکل، باید به اسباب ظاهری دل نبند و از آنها حاجت نخواهد؛ اما نه اینکه از آنها بهره‌برداری نکند و

تلاش و کوشش را وانهد» (همان). امام خطاب به فرمانده فلسطینی فرمودند که اگر می‌خواهید ملت فلسطین را نجات دهید، راهش این نیست که به سراغ شوروی و آمریکا یا این دربار و آن دربار بروید، توکل به خدا کنید و شمشیر به دست گیرید، خداوند حامی شماست و ملت‌ها به شما کمک می‌کنند (رجائی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۶).

#### ۶. وحدت اسلامی

یکی از مؤلفه‌ها و عناصر مهم تمدن اسلامی «وحدت اسلامی» است؛ این وحدت فراتر از آن وحدتی است که در جوامع شری بین گروه‌ها، احزاب، سازمان‌ها، اقوام و قبایل مطرح است؛ از نگاه امام خمینی ره کل جامعه به منزله یک شخص و آحاد جامعه به منزله اعضای آن می‌باشند و تمام تلاش‌ها و فعالیت‌ها برای تأمین مصالح این شخص است (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۹). اهمیت این نگاه در دوران معاصر که سخن از جهانی شدن و کمربندگ شدن حدود و غور جغرافیایی است؛ بسیار درخور توجه است؛ بهویژه اینکه امام، وحدت اسلامی را برابر پایه آموزه‌های دینی تقریر و تثبیت می‌کند و آن را تکلیف الهی می‌داند.

مقصود از وحدت اسلامی این است که همه مسلمانان براساس آموزه‌های دینی و تعالیم قرآنی و روایی، برادری، الفت، صداقت و صفاتی ظاهری و باطنی را اساس برنامه زندگی اجتماعی خود قرار دهند و با یکدیگر، برادران خوش‌رفتار، دوستان شفیق و یاران صدیق باشند و با هم ارتباط و پیوند وثیق و عمیق داشته باشند و پیوسته مصالح اسلام و مسلمین را در نظر داشته باشند و در شرایط سخت و دشوار یکدیگر را تنها نگذارند و از نفاق، اختلاف و تفرقه سخت بر حذر باشند که بی‌تردید اختلاف و تفرقه موجب شکست، انحطاط و سقوط است.

وحدت اسلامی یکی از راهبردهای کلان تمدن اسلامی و آرمان بزرگ امام خمینی ره و از ارکان اندیشه و محور خط‌مشی عملی آن بزرگوار به شمار می‌آید و در آثار ایشان با عنوان‌های مختلف از آن یاد شده است: وحدت امت اسلامی، وحدت مسلمین، وحدت پیروان ادیان الهی در برابر مشرکین و ملحدين، وحدت مستضعفان در مقابل مستکبران... گستردگی موضوع وحدت اسلامی در آثار امام خمینی به‌گونه‌ای است که نمی‌شود در یک مقاله به همه مباحث آن بپردازیم، از این‌رو تنها به سه موضوع بنیادین در این‌باره می‌پردازیم:

#### خاستگاه وحدت اسلامی

وحدت اسلامی در نگرش امام خمینی ره بر پایه آیات شریفه و روایات اهل بیت علیهم السلام تبیین شده است؛ بنابراین، دین مبین اسلام خاستگاه وحدت اسلامی و حفظ وحدت، تکلیف شرعی است.

«یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام سلام الله علیهم که افرون بر آنکه خود، مقصود مستقل است، وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله نیز می‌باشد؛ توحید کلمه و توحید عقیده است ... و اتحاد همم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفاتی باطنی و ظاهری است (بدان‌سان) که نوع بنی آدم، تشکیل یک شخص دهنده جمعیت به منزله یک شخص و افراد به منزله اعضاء و اجزای آن باشند و تمام کوشش‌ها و سعی‌ها حول یک مقصود بزرگ الهی و یک مهم عظیم عقلی که صلاح جمعیت و فرد است، چرخ زند. اگر چنین مودت و اخوتی در بین مسلمین پدید آید، بر تمام طوائف و ملکی که بر این طریقه نباشند، غلبه کنند؛ چنان‌که در صدر اسلام به دلیل وجود این وحدت در اندک زمانی بر قدرت‌های بزرگ آن زمان ایران و روم غلبه کردند و با عده اندک بر لشکرهای گران و جمعیت‌های بی‌پایان غالب شدند» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۹).

از سخنان امام خمینی<sup>حیله</sup> این نتایج حاصل می‌شود که: ۱. وحدت اسلامی و وحدت میان مسلمانان عاملی بسیار مؤثر در تشکیل مدینه فاضله و احیای تمدن اسلامی است؛ ۲. موضوع وحدت اسلامی مورد تأکید ائمه هدی<sup>حیله</sup> و به عنوان یک تکلیف الهی است و می‌توان آن را یکی از اهداف نظام سیاسی اسلام دانست.

### راهبردهای ایجاد وحدت

وحدت اسلامی در اندیشه امام خمینی<sup>حیله</sup> دارای عرصه‌های گوناگون است که از وحدت افراد و اقتدار جامعه آغاز می‌شود و در مراتب بعدی آن، وحدت ملت، وحدت مسلمین، وحدت پیروان ادیان الهی و وحدت مستضعفان جهان موضوعیت می‌یابد؛ راهبردهای ایجاد وحدت اسلامی یکی از مباحثی است که مورد توجه و پژوهش امام خمینی<sup>حیله</sup> قرار گرفته و در مورد آن سخن بسیار گفته است. در اینجا تنها به عنایین ده راهبرد اشاره می‌کنیم:

۱. تلاش در جهت ایجاد هدف واحد که وحدت هدف، رمز موفقیت و پیروزی است (امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۶۹-۷۴)؛ ۲. انگیزه الهی داشتن و ایمان به خدا و اتکال به او عامل وحدت است (همان، ص ۷۵-۸۲). ۳. اعتقاد به امداد الهی و تأیید غیبی و همراهی خداوند، افراد را امیدوار و در یک صفت قرار می‌دهد (همان، ص ۸۲-۸۸)؛ ۴. شعائر دینی مثل نماز جماعت، نماز جمعه، فریضه حج و ... عامل وحدت است (همان، ص ۹۱-۹۴)؛ ۵. مراسم مذهبی مثل برپایی عاشورا، اربعین، نیمه شعبان و اعیاد ... (همان، ص ۹۲-۹۳)؛ ۶. نام و یاد حضرت سیدالشہدا، خود برای ایجاد وحدت موضوعیت دارد (همان، ص ۹۳)؛ ۷. وجود تشکیلات مناسب و درخور شأن دین مبین اسلام (همان، ص ۹۸-۱۰۰)؛ ۸. پرهیز از طرح مسائل تفرقه‌انگیز و اصرار نکردن بر سلیمانیها و برداشت‌ها (همان، ص ۱۰۶)؛ ۹. خودداری از هرگونه عمل تفرقه‌انگیز به عنوان یک

وظیفه شرعی و الهی (همان، ص ۱۰۵)؛ ۱۰. چشم‌پوشی از توقعات، کاستی‌ها، نواقص و گلایه‌ها... (همان، ص ۱۰۵ و ۱۰۷).

### آثار و نتایج وحدت اسلامی

امام خمینی<sup>ره</sup> با استناد به آیه شریفه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات، ۱۰) لزوم وحدت و اخوت بین مؤمنان را پسیار ضروری دانسته و در وصیت‌نامه سیاسی الهی خویش از علمای اعلام و خطبای کشورهای اسلامی خواسته است که ملت‌ها را دعوت به وحدت کنند و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است، بپرهیزنند و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند، دست برادری دهنند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده است. باور امام خمینی<sup>ره</sup> این است که ما هر چه داریم از ایمان و وحدت کلمه است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۴۷). برای نمونه به برخی از نتایج وحدت اسلامی از زبان امام خمینی<sup>ره</sup> اشاره می‌کنیم: ۱. پیروزی اسلام و تحقق بزرگ‌ترین قدرت جهانی از سوی مسلمانان (همان، ج ۲۲، ص ۴۰۴)؛ ۲. افزایش مقاومت، قدرت و استواری و صدمه‌ناپذیری مسلمین (امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲ و ۱۵۰)؛ ۳. لرزاندن پشت ابرقدرت‌ها و قدرت‌های غول‌آسا (همان، ص ۱۲۵)؛ ۴. کندن ریشه ظلم و استبداد، طرد طاغوت و غلبه بر قدرت‌های شیطانی (همان، ص ۱۳۹)؛ ۵. رشد و پیشرفت ظاهري و باطنی، مادي و معنوی (همان، ص ۱۴۱ و ۱۴۴). در اینجا، تهابه یک متن از سخنان امام خمینی<sup>ره</sup> بسنده می‌کنیم: «این جانب به همه نسل‌های حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار شود و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است، از دست ندهید و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است ... امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرنده، خشی کردن تبلیغات تفرقه‌افکن خانه‌برانداز است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۷، ص ۴۰۴).

### ۷. امت اسلامی

یکی از مؤلفه‌های بنیادین تمدن اسلامی به وجود آمدن امت واحد جهانی و از میان رفتنهای بندهای دنیاوی و جغرافیایی است؛ یعنی تحت حاکمیت قانون الهی، امت واحد اسلامی جهانی تحقق یابد و چنان‌که می‌دانیم پیامبر اعظم<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> عهد‌دار این رسالت بود که همگان را به چنین قانون جهان‌شمولی فراخواند و آنها را در امت واحد اسلامی گرد آورد. ماهیت دین مبین اسلام نیز از همان آغاز، ماهیتی جهانی داشت. امام خمینی<sup>ره</sup> نیز از آنجا که یک فقیه و اسلام‌شناس جامع بود

و در چارچوب آموزه‌های دینی، دیدگاه‌های خود را بیان می‌کرد، از جمله اصطلاحات پایه‌ای اسلامی که ایشان به کار برده و آرمان حقیقی شان بوده است؛ اصطلاح امت اسلامی است. امام خمینی ح با استناد به خطاب‌های قرآن کریم همچون «يا أَئِنَّا النَّاسُ» و «يا ايها المؤمنون» می‌فرماید: اسلام برای همه بشر آمده است و بعثت برای همه است. اسلام می‌خواهد همه را زیر پوشش خود قرار دهد و در زیر سایه اسلام مشکلاتشان را حل کند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۱۳۷، ۴۴۰، ۵۳۰) و نیز با استناد به روایاتی همچون «كلكم راع و كلكم مسئول...» نتیجه می‌گیرد که ما موظفیم در اقصای بلاد دنیا هر اندازه که می‌توانیم از حقوق مسلمین دفاع کنیم و اگر به وظیفه خود عمل نکنیم، مسلمان نیستیم (همان، ج ۳، ص ۳۶۰). امام خمینی ح در پرتو چنین نگرشی اعتقاد داشت:

۱. اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را، همه را با هم متوجه کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند (همان، ج ۱۳، ص ۴۴۳)؛
  ۲. مانمی‌توانیم حساب خودمان را از حساب سایر مسلمین جدا کنیم (همان، ج ۱۵، ص ۳۷۰)؛
  ۳. من به صراحة اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند (همان، ج ۲۱، ص ۹۱)؛
- بر همین اساس نگرش امام خمینی ح نسبت به ملی‌گرایی، نگرشی درخور توجه است: به اعتقاد ایشان وطن به عنوان زادگاه شخص از نظر اسلام قابل احترام است و حب و علاقه به آن امر اساسی و مهم است و ملی‌گرایی به معنای میهن‌دوستی مورد تأیید است؛ اما ملی‌گرایی به عنوان یک ایدئولوژی غربی و ایده استعماری، مطرود و خلاف اسلام است و نقشهٔ مهم قدرت‌های بزرگ به منظور سلطه بر مسلمانان و غارت مخازن و منابع و ثروت‌های آنان است، عامل تفرقه ملت‌ها و عامل دشمنی میان مسلمانان و حربهای در جهت مقابله با اسلام و حکومت اسلامی است. ایشان در این باره می‌فرماید: «نقشه‌های قدرت‌های بزرگ که می‌خواهند مسلمین را زیر سلطه خود بیاورند و مخازن آنها را به غصب ببرند و اموال آنها را به چپاول ببرند، از سال‌های طولانی دنبال نقشه‌هایی بوده‌اند که از نقشه‌های بزرگ آنها مسلطه ملت‌گرایی است» (همان، ص ۴۴۳). «آن ملی‌گرایی که به دشمنی بین مسلمین و شکاف در صفووف مؤمنین منجر می‌شود، برخلاف اسلام و مصلحت مسلمین و از حیله‌های اجانب است که از اسلام و گسترش آن رنج می‌برند» (همان، ص ۲۰۹).

۸. راهبردهای امام خمینی ح در جهت تحقق امت اسلامی  
امام خمینی ح برای تحقق امت اسلامی و عملی شدن آن، راهبردهای بسیار دقیق و بزرگی را مطرح کرده است. به چند مورد آن اشاره می‌شود:

**الف) صدور انقلاب:** نهضت اسلامی در ایران نهضتی اسلامی است و متعلق به تمام مسلمین در سراسر عالم است: «مسئلان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت اروحنا فداه است» (همان، ج ۲۱، ص ۳۲۷)؛ «ما برای اسلام نهضت کردیم، نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور باشد در یک کشور و نمی‌تواند محصور باشد حتی در کشورهای اسلامی، نهضت برای اسلام دنباله نهضت انبیاست، نهضت انبیا برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم ﷺ اهل عربستان است، ولی دعوتش مال همه عالم است» (همان، ج ۱۰، ص ۴۴۶)؛

**ب) پشتیبانی از همه مسلمین:** امام خمینی ره بر مبنای تکلیف الهی، به ظلم زدایی، استکبارستیزی، حمایت از مظلوم و حق‌گرایی می‌پردازد و به طور صریح و قاطع آن را اعلام می‌کند: «ما از تمام نهضت‌های آزادی بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم، ما بار دیگر پشتیبانی بی‌دریغ خود را از برادران مسلمان و مظلوم افغانی اعلام می‌داریم و اشغال اشغالگران را شدیداً محکوم می‌نماییم (همان، ج ۱۲، ص ۱۳۸)؛ «من بار دیگر پشتیبانی خودم را از تمام نهضت‌ها و جبهه‌ها و گروههایی که برای رهایی از چنگال ابرقدرت‌های چپ و راست می‌جنگند، اعلام می‌کنم، من پشتیبانی خود را از فلسطین رشید و لبنان عزیز اعلام می‌دارم (همان، ج ۱۲، ص ۲۰۳)؛

**ج) برپایی راهپیمایی‌های بین‌المللی اسلامی:** از همان آغاز انقلاب اسلامی مسئله فلسطین و آرمان قدس جزء دغدغه‌های امام خمینی ره بوده است. از نظر ایشان آرمان رهایی فلسطین اصولی‌ترین مسئله جهان اسلام و اسرائیل به عنوان دولت متاجوز، غاصب و دست‌نشانده قدرت‌های بزرگ محکوم به نابودی است. براساس این اندیشه، پس از گذشت چند ماه از پیروزی انقلاب اسلامی، ایشان جمعه آخر ماه مبارک رمضان را به عنوان روز قدس انتخاب و از همه مسلمین خواست که طی مراسمی همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند (همان، ج ۹، ص ۲۶۷)؛

**د) طرح تشکیل دولت جهانی اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل:** از نگاه امام خمینی ره همگرایی جهان اسلام و آرمان امت اسلامی و تحقق وحدت اسلامی آنگاه عینیت می‌باید که همه مسلمین به سوی تشکیل دولت جهانی اسلامی در کنار جمهوری‌های آزاد و مستقل پیش روند. این طرح بدیع و مهم در وصیت‌نامه سیاسی الهی ایشان بیان شده است: «و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان پی‌اخذید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سرسپرده آنان نترسید ... و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های

آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همهٔ مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همهٔ مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رسانید» (همان، ج ۲۱، ص ۴۴۸).

#### ۹. پیشرفت اسلامی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدن اسلامی، پیشرفت اسلامی است، فرایندی که مؤلفه‌های دیگر تمدن اسلامی را جهت می‌دهد و در حقیقت جامعه را به سوی تمدن اسلامی رهسپار می‌سازد. در اینجا سه سؤال کلیدی مطرح است: ۱. ماهیت و حقیقت پیشرفت اسلامی از نگاه امام خمینی رهبر انقلاب چیست؟ ۲. الگوی پیشرفت اسلامی چه ویژگی‌هایی دارد؟ ۳. آیا آنچه امروز حکومت‌ها و دولتها آن را پیشرفت می‌دانند، از نظر امام خمینی رهبر انقلاب رو به تمدن دارد؟

#### ۱-۹. ماهیت و حقیقت پیشرفت اسلامی

ماهیت و حقیقت پیشرفت ریشه در انسان‌شناسی دارد؛ انسان از دیدگاه امام خمینی رهبر انقلاب موجودی جامع و ذومراتب است؛ ۱. مرتبه دنیاوی و مادی؛ ۲. مرتبه برزخی و مثالی؛ ۳. مرتبه اخروی و روحانی و هر یک از این مراتب کمال خاص، تربیت مخصوص و رفتار مناسب آن مرتبت و مقام را دارد. انسان جامع الابعاد، پیوسته در حال صیرورت، خلاقیت، تعالی، پیشرفت و رهسپاری به سوی خداوند ذوالجلال است. متاسفانه این بن‌مایه پیشرفت و تکامل مورد غفلت بسیاری از مکاتب فکری قرار گرفته است؛ زیرا انسان را مثل سایر حیوانات پنداشته‌اند (همان، ج ۴، ص ۹ و ۱۸۶)؛ بر این اساس، اگر صیرورت انسان و جامعه با مدیریت عقل و وحی باشد، انسان و جامعه رو به پیشرفت خواهد بود؛ اما اگر صیرورت و شدن انسان و جامعه با مدیریت قوای حیوانی وجود آدمی می‌باشد، انسان و جامعه رو به پیشرفت است. «اسلام می‌خواهد انسان را یک انسانی جامع بسازد، یعنی رشد به آن طور که هست بدهد. حظ طبیعت دارد، رشد طبیعی به او بدهد، حظ برزخیت دارد، رشد برزخیت به او بدهد، حظ روحانیت دارد، رشد روحانیت به او بدهد، حظ عقلانیت دارد، رشد عقلانیت به او بدهد، حظ الهیت دارد، رشد الهیت به او بدهد» (همان).

#### ۲-۹. الگوی پیشرفت اسلامی از نگاه امام خمینی رهبر انقلاب

الگوی پیشرفت اسلامی چند ویژگی دارد:

۱. استقلال فرهنگی: بی‌تردید بن‌مایه پیشرفت اسلامی استقلال فرهنگی است؛ «ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان‌پذیر است.

بی‌جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیر سلطه است. اتفاقی نیست که مراکز تربیت و تعلیم کشورها و از آن جمله کشور ایران از دبستان تا دانشگاه مورد تاخت و تاز استعمارگران خصوصاً غربی‌ها و اخیراً آمریکا و شوروی قرار گرفت» (همان، ج ۱۵، ص ۲۴۴)؛

۲. حضور همه‌جانبه دین و معنویت در تمامی عرصه‌های زندگی: پیشرفت اسلامی آنگاه تحقق جدی دارد که تمامی عرصه‌های زندگی انسان اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، خانوادگی و حتی در امور جزئی روزمره دین و معنویت حضور داشته باشد؛ «آن چیزی که انبیا می‌خواستند این بود که همه امور را الهی کنند؛ تمام ابعاد عالم را و تمام ابعاد انسان را، انبیا برای این آمدند که همه اینها را الهی کنند. انبیا این طور بودند که معاشرت‌های ایشان هم جنبه الهی داشته است، ازدواج‌های ایشان هم جنبه الهی داشته، همه چیزشان، اگر جنگ می‌کنند، جنگ‌های ایشان الهی و برای اوست، اگر صلح می‌کنند، صلح‌های ایشان هم الهی است و برای اوست» (همان، ج ۸، ص ۶۲)؛

۳. شناختن و ساختن آینده: پیشرفت اسلامی در صورتی امکان تحقق دارد که آینده به درستی شناخته شود، به درستی برنامه‌ریزی و ساخته شود و این مهم با توجه به نظریه جامع و کامل امام در مورد اجتهاد (که ناظر به اقتضائات زمان و مکان و موقعیت‌ها و شرایط است)، قابل اجرا است: «اسلام مکتبی است که در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است» (همان، ج ۲۱، ص ۴۰۲).

### ۹-۳. الگوی پیشرفت دنیای معاصر، رو به توحش دارد

عبارات ایشان در این باره شیوه، رسا و جامع است: «ما راجع به همین پیشرفت‌هایی که اینها کرده‌اند باید بنشینیم حساب کنیم، بینیم که آیا این پیشرفت‌ها را رو به تمدن دارد می‌رود، یا رو به توحش دارد می‌رود؟ من تعبیرم این است که آمریکا و سایر این دول غربی، شرقی، اینها ترقیاتی کرده‌اند، به این معنا که انسان‌ها را دارند حیوان درنده بار می‌آورند، تمام این کارها که کرده‌اند برای درنده‌گی است. دنبال این هستند یک حیواناتی درست کنند که این حیوانات درنده باشند، بدتر از حیوانات درنده، اینها تمدن نیست، بلکه رو به توحش دارد» (همان، ج ۸، ص ۱۰۰).

### نتایج پژوهش

نتایج به دست آمده از این پژوهش این است که از نگاه امام خمینی حَفَظَ اللَّهُ عَنْهُ:

۱. تمدن مادی، همه پیشرفت را در امور مادی و دنیاوی خلاصه کرده و معنویت و توحید را طرد کرده است؛ اما تمدن اسلامی میان دنیا و آخرت، میان رفاه مادی و سعادت اخروی و میان علم و عقل و دین جمع کرده است؛
۲. در تمدن اسلامی، تخصص همراه با تعهد و التزام دینی تعریف می‌شود. دانش افزایی، تولید علم، فناوری و توسعه و پیشرفت مادی بدون تقویت باورهای دینی کژراهه است، متخصص غیر تعهد و فاقد تربیت انسانی به حال کشور مضرّ است و تخریب‌کننده تمدن اسلامی است؛
۳. مؤلفه‌های تمدن اسلامی عبارت است از: علم و دانش، دین و معنویت، امنیت، به کارگیری کامل راهبردهای ایجاد و تقویت امنیت، سیاست، توکل به خدا، وحدت اسلامی، امت اسلامی، به کارگیری راهبردهای ایجاد امت اسلامی و پیشرفت اسلامی، این منظومه تمدن اسلامی را شکل می‌دهد؛
۴. هیچ حرکت و عملی از فرد و یا جامعه نیست، مگر اینکه اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است و اسلام در سایه این نظام‌سازی علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی زمینه ایجاد تمدن اسلامی را تأمین کرده است؛
۵. اجتهداد جامع و کامل امام حَفَظَ اللَّهُ عَنْهُ که ناظر به اقتضایات زمان و مکان و لحاظ موقعیت‌ها و شرایط است. در جهت نظریه پردازی برنامه‌ریزی و مدیریت اجتماعی، ظرفیت بسیار مهم است؛
۶. امام خمینی حَفَظَ اللَّهُ عَنْهُ شخصیت تاریخ‌ساز، متعلق به همه مسلمانان و مستضعفان عالم است و وصیت‌نامه سیاسی الهی او توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب است؛ از این‌رو مشاهده می‌شود که این وصیت‌نامه با نگرش فراملی امت‌گرایانه و تمدن‌ساز نگارش یافته است.

## منابع

- \* قرآن کریم
- \* نهج البلاغه
- ۱. ابن فارس (۱۴۱۰ق)، معجم مقایيس اللغة، بیروت: الدار الاسلاميه.
- ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- ۳. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۰)، نبوت از دیدگاه امام خمینی (تبیان، دفتر پازدهم)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۴. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۵)، صحیفة امام (مجموعه ۲۳ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
- ۵. امام خمینی، روح الله (۱۳۸۸)، شرح چهل حدیثه تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
- ۶. امام خمینی، روح الله (۱۳۹۱)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
- ۷. انوری، حسن (۱۳۸۲)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
- ۸. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۸ق)، صحاح اللغة، بیروت: دارالفکر.
- ۹. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۷)، حدیث ولایت، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۰. دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۷۷)، حدیث ولایت: مجموعه رهنماهی مقام معظم رهبری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغتنامه دهخدا، تهران: مؤسسه دهخدا.
- ۱۲. رجائی، غلامعلی (۱۳۹۳)، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
- ۱۳. سخنان رهبر معظم انقلاب در اجتماع طلاب مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴، جزوء چاپ نشده.
- ۱۴. قشیری، الکریم ابن حوازن (۱۳۹۲)، الرسالة القشیرية، تهران: سخن.
- ۱۵. کاشانی، عبدالرزاق (۱۳۷۲)، شرح منازل السائرين، قم: بیدار.
- ۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳)، بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۷. معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر.
- ۱۸. ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۲)، تقویم تاریخ و فرهنگ اسلام در ایران، تهران: امیرکبیر.